

پایندانی (= ضمانت) و هم‌پایندانی (= ضمانت مشترک) در مادیان هزار دادستان

نادیا حاجی‌پور*

مهشید میرفخرایی**

چکیده

مادیان هزار دادستان متنی حقوقی به خط و زبان پهلوی است. مادیان در دوره ساسانیان نوشته شده و تنها کتابی از این دوران است که تنها به مسائل حقوقی پرداخته است. برده‌داری، قیمومت، ضمانت، شراکت، ازدواج، طلاق و ... از جمله موضوعات مطرح در این اثر است. آنچه که در این مقاله بررسی شده، قوانین حقوقی مربوط به ضمانت است که با اصطلاح پایندانی و هم‌پایندانی مطرح شده است. این گزارش شامل دو بخش است: در بخش نخست، مفهوم پایندانی (= ضمانت) و پایندان (= ضامن) و قوانین مربوط به آن بررسی می‌شود. اینکه پایندان به وسیله چه کسی انتخاب و چگونه تأیید می‌شد، طلبکار چه وقت و در چه صورتی می‌توانست به پایندان رجوع کند و چه چیزهایی می‌توانست مورد ضمانت باشد. در بخش دوم هم‌پایندانی (= ضمانت مشترک) و قوانین مربوط به آن بررسی می‌شود؛ اینکه، هم‌پایندانی چه ویژگی‌هایی داشت، چه تعهداتی را به وجود می‌آورد و تفاوت آن با پایندانی چه بود.

کلیدواژه‌ها: مادیان هزار دادستان، فارسی میانه، متون حقوقی، ضمانت، ضمانت مشترک، ضامن، پایندانی، هم‌پایندانی.

* دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
nadihajipour@yahoo.com

** استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
mahshidmirfakhraie@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۰

۱. مقدمه

۱.۱ درباره متن *مادیان هزار دادستان*

مادیان هزار دادستان یا مجموعه هزار داوری، متنی به خط و زبان پهلوی از پایان دوره سلسله ساسانیان است. این متن از چند جهت حائز اهمیت است: نخست اینکه تنها کتابی است که شامل مسائل حقوقی و قضایی در فقه ایران پیش از اسلام است که از دوره دین زردشتی باقی مانده است.^۱ دوم اینکه یکی از منابع بسیار مهم درباره تاریخ اجتماعی و نهادهای قضایی دوره ساسانی است. *مادیان هزار دادستان* یک کتاب قانون نیست بلکه مجموعه‌ای است که رونوشت‌های حقوقی ثبت‌شده در دادگاه و اسناد مربوط به آن، وصیت‌نامه‌ها، تفسیر حقوقدانان و نقل قول مفسران پیشین در زمینه حقوق در آن آمده است (نیز ← Macuch 2005؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۲۸۷).

از این متن تنها یک نسخه خطی ناقص در دست است. مولف آن فرخ مرد بهرامان است که نام خود را در مقدمه کتاب ذکر کرده است اما بعد از نام او، متن افتادگی دارد و به همین دلیل آگاهی از زمان و زندگی او در دست نیست. از متن چنین بر می‌آید که او حقوقدان بوده و به دستگاه حقوقی ساسانی کاملاً آشنایی داشته و افزون بر این به مدارک و اسناد دادگاه دسترسی کامل داشته است. با توجه به اینکه آخرین پادشاه ساسانی که در متن کتاب از او سخن گفته شده، خسرو پرویز است، احتمالاً کتاب در زمان او یعنی در نیمه نخست قرن هفتم میلادی گردآوری شده است. البته این کتاب مانند دیگر کتاب‌های پهلوی در دوره اسلامی دوباره جمع‌آوری شده ولی مسلم است که محتوای آن کاملاً ساسانی است و تاثیری از دوره اسلامی نگرفته است (نیز ← Macuch 2005؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۲۸۶).

مادیان کتابی کاملاً تخصصی و برای متخصصان در زمینه فقه نوشته شده است؛ یعنی کسانی که دانش تخصصی از نظام حقوقی ساسانی داشتند و با اصطلاحات فنی آن کاملاً آشنا بودند. محتوای آن منحصرراً حقوقی است بدون آنکه به موضوعات دینی اشاره کند؛ حتی درباره نهادهای دینی مانند آتشکده‌ها (*ādūrān / ātaxšān*)، امور مربوط به روان (*pad*) و خیرات و صدقات (*ruwān*) و *ašōdād / ahlawdād* = اهلوداد / اشوداد، تنها از منظر حقوقی پرداخته می‌شود. موضوعات فقهی که به طور کلی در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است شامل قوانین مدنی است و به ندرت به حقوق جزایی اشاره می‌کند. البته با وجود افتادگی‌های بسیاری که در نسخه وجود دارد شاید بتوان گفت، کتاب به این مسائل نیز

پرداخته ولی بعدها مفقود شده است. مسائلی که در کتاب مطرح است شامل قوانین مربوط به برده و برده‌داری، شراکت، ازدواج، طلاق، اظهارات متناقض در دادگاه، سوگند، پرداخت بدهی، وقف، قیمومت، ضمانت، ضمانت مشترک، ارث، اجاره، فرزندخواندگی و ... است (نیز ← Macuch 2005؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۲۸۷).

همانطور که گفته شد از این کتاب تنها یک نسخه خطی ناقص و آسیب‌دیده در دست است. قدیمی‌ترین نسخه در اواخر قرن ۱۷ در ایران رونویس شده است. در سال ۱۸۷۲ انکلساریا بیست برگ (۴۰ صفحه) از کتاب را خریداری و با خود به هند برد تا آن را چاپ کند. در همین هنگام با خبر شد هاتاریا ۵۵ برگ (۱۱۰ صفحه) از کتاب را خریداری کرده که در کتابخانه او موجود است. مودی دانشمند پارسی نسخه هاتاریا را در سال ۱۹۰۱ و نسخه انکلساریا را در ۱۹۱۲ با مقدمه‌ای منتشر کرد (برای آگاهی بیشتر درباره نسخه مادیان هزار دادستان ← وهمن ۱۳۷۷: ۱۹۰-۱۹۱؛ دهقان ۱۳۸۱: ۵۵؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۲۸۷؛ Macuch 2005). در این مقاله، نسخه چاپ شده در سال ۱۹۰۱ با عنوان مادیان و نسخه چاپ شده انکلساریا در سال ۱۹۱۲ با نام مادیان - انکلساریا نشان داده شده است.

آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود قوانین حقوقی مربوط به ضمانت است که در مادیان هزار دادستان با اصطلاح پایندانی (pāyandānīh) و هم‌پایندانی (ham-pāyandānīh) مطرح است. ضمانت از مسائلی است که بخش قابل توجهی از این کتاب به آن اختصاص داده شده است.^۲ با جمع‌آوری آنها تا اندازه‌ای می‌توان به قوانین ضمانت در دوره ساسانی، دست یافت. در این مقاله تلاش می‌شود به دو دسته پرسش پاسخ داده شود، نخست اینکه پایندانی چیست و پایندان کیست و به وسیله چه کسی انتخاب می‌شود، پایندان چگونه تأیید می‌شود، طلبکار چه وقت و در چه صورتی می‌تواند به پایندان رجوع کند و چه چیزهایی می‌تواند مورد ضمانت باشد. دوم اینکه هم‌پایندانی چیست، چه ویژگی دارد، چه تعهداتی را به وجود می‌آورد و تفاوت آن با پایندانی در چیست.

۲.۱ پیشینه پژوهش

قوانین مربوط به ضمانت در مادیان هزار دادستان یک بار در فصلی با عنوان در (= فصل) پایندانی و هم‌پایندانی و انبازی (= شراکت) (dar ī ham-pāyandānīh ud pāyandānīh ud) و یک بار در فصل آزاد کردن انبازان (= شریکان) (ham-bāyīh) ← مادیان: ۱۰/۵۵-۱۰/۵۹) و ضامن‌های مشترک و ضامن‌های مشترک از بدهی (-en dar ī tis pad ham-bāyān ud ham-

(← *مادیان*: ۱۷/۱-۱۶/۲) آمده است. در فصل‌های دیگر کتاب نیز، سه بار به صورت پراکنده درباره آن سخن رفته است (← *مادیان*: ۳-۱/۸۹، ۱۳/۱۰۲-۱۴؛ *مادیان*-انکساریا: ۴/۳۲-۵). در ترجمه‌های مختلفی که تاکنون از این کتاب انجام شده، ترجمه بخش پایندانی در کنار سایر بخش‌ها آمده است^۳ ولی به قوانین مربوط به ضمانت به صورت مدون اشاره نشده است.

در چند مقاله نیز در کنار دیگر مسائل حقوقی به پایندانی پرداخته شده است. ماتسوخ در یکی از مقالات خود درباره حقوق دوره ساسانیان، به موارد ضمانت و اینکه چه چیزهای می‌تواند موضوع ضمانت قرار گیرد، اشاره کرده است (← Macuch, 2009: 191)؛ همچنین در مقاله دیگری درباره برده‌داری، توضیح می‌دهد که چگونه یک برده می‌تواند موضوع ضمانت قرار گیرد^۴ (← Macuch, 1988: 764). منصور شکی در مقاله‌ای انواع قراردادها را در دوره ساسانی بررسی می‌کند، او بخشی از کار خود را به قرارداد مربوط به ضمانت و شراکت اختصاص داده است (← Shaki, 1992a: 224). در دو مقاله که اصطلاحات حقوقی در دوره ساسانی بررسی شده است به پایندانی و هم‌پایندانی، همراه شاهد مثالی از *مادیان هزار دادستان*، اشاره شده است (← منصور، ۱۳۸۷: ۱۵۱؛ مسعودی، ۱۳۸۷: ۱۱۵) ولی درباره قوانین آن به نکته‌ای اشاره نشده است. کاکای افشار نیز در مقاله‌ای دو بند از فصل پایندانی را بررسی کرده است^۵ (← کاکای افشار ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۹).^۶ در برخی از مقالات نام‌برده شده به بخشی از قوانین ضمانت پرداخته شده ولی پایندانی و قوانین آن به صورت موضوعی مستقل بررسی نشده است. در این پژوهش برای اولین بار، سعی شده است با توجه به متن، قوانین ضمانت جمع‌آوری و دسته‌بندی شود.

۲. ضمانت در *مادیان هزار دادستان*

ضمانت در *مادیان هزار دادستان* با دو اصطلاح پایندانی (*pāyandānīh*) و هم‌پایندانی (*ham-pāyandānīh*) آمده است. در این پژوهش ابتدا به پایندانی و قوانین مربوط به آن پرداخته می‌شود، سپس هم‌پایندانی بررسی و در آخر تفاوتی که در این دو نوع ضمانت وجود دارد، ذکر می‌شود.

۱.۲ پایندانی

بر اساس *مادیان هزار دادستان* پایندانی به معنای «ضمانت، تضمین، تعهد» و پایندان (pāyandān) به معنای «ضامن و متعهد» است (Perikhanian 1997: 381). در این متن پایندانی برای دارایی در نظر گرفته شده است که یا به صورت وام (← *مادیان* ۸-۵/۵۷) یا به صورت قرض به کسی داده شده و برای امنیت در بازگرداندن آن ضمانتی تعیین شده است (← *مادیان* ۱۷-۱۵/۵۶).^۷ البته احتمالاً ضمانت در موارد دیگر نیز بوده که در این متن موجود نیست یا در بخش‌هایی بوده که مفقود شده است.

به نظر می‌رسد، هر گاه قراردادی بین دو نفر بسته می‌شد و بر اساس آن یکی از طرفین قرارداد مال یا وامی را به طرف دیگر قرض می‌داد برای ضمانت در برگرداندن آن، تضمینی تعیین می‌شد. بنابراین قراردادی که به این صورت بسته می‌شد، شامل فردی بود که مالی را وام می‌گرفت (= بدهکار)، فردی که دارایی را وام یا قرض می‌داد (= طلبکار) و پایندان (= ضامن)ی بود که برای ایجاد تعهد در بازپرداخت بدهی، تعیین می‌شد.

موضوع ضمانت می‌توانست به دو شکل باشد. الف) در شکل نخست وام‌گیرنده می‌توانست چیزی از دارایی خود را برای ضمانت گرو بگذارد. آنچه بدهکار برای ضمانت واگذار می‌کرد می‌توانست از اصل دارایی (bun) او به صورت زمین، مستغلات، دام و ... باشد یا وی بهره و سود (bahr) دارایی خود را که به صورت زمین کشاورزی، دام، برده و ... بود، برای ضمانت اختصاص می‌داد. همچنین ممکن بود فرد بدهکار برای ضمانت وام گرفته‌شده، پول یا چیز دیگری را برای گرو می‌گذاشت. در صورت پرداخت نشدن بدهی، دارایی به فرد طلبکار تعلق می‌گرفت. ب) در شکل دوم شخص به عنوان ضامن انتخاب می‌شد که سه صورت داشت. در نوع نخست، شخص ثالثی به عنوان ضامن تعیین می‌شد و در صورت عدم بازپرداخت بدهی از سوی بدهکار، ضامن متعهد به پرداخت آن بود (← به بعد). در نوع دوم چند نفر با شراکت هم، وامی را می‌گرفتند و ضامن یکدیگر می‌شدند (ham-pāyandānīh ← به بخش ۲-۲). در نوع سوم اگر کسی دارایی نداشت، یک یا چند نفر از اعضای خانواده‌اش را به عنوان برده (pad tan)^۸ برای ضمانت عرضه می‌کرد. اگر بدهکار قادر به پرداخت وام و بدهی خود نمی‌شد، فردی که برای ضمانت قرار داده بود به عنوان برده به طلبکار داده می‌شد و برده باید در خدمت طلبکار در می‌آمد و در واقع جزئی از دارایی او در می‌آمد (← *مادیان*: ۱۲/۲۹-۱۰/۳۲، ۱۱/۳۷-۱۷/۴۰، ۱۰/۵۵-۱۰/۵۹؛ نیز (Macuch 2009: 191).

۶ پایندانی (= ضمانت) و هم‌پایندانی (= ضمانت مشترک) در *مادیان هزار دادستان*

از مطالبی که درباره پایندانی در *مادیان هزار دادستان* آمده، می‌توان به قوانین زیر دست یافت:

۱.۱.۲ تعیین پایندان

تعیین پایندان می‌توانست از سوی هر یک از طرفین، وام‌دهنده و یا وام‌گیرنده انجام گیرد. یعنی بدهکار یا طلبکار هر کدام می‌توانست برای قرارداد، ضامن تعیین کند.

ka gōwēd kū-m pad ēn xwāstag wahnān mard pāyandān kard

«هر گاه [کسی] گوید که «من بهمان^۹ مرد را در مورد این خواسته (= دارایی) پایندان (= ضامن) کردم (= با پایندانی و ضمانت فلان مرد، این مال را از تو قرض می‌گیرم)، ...» (← *مادیان*: ۵/۵۶؛ Perikhanian, 1997: 144-145).

چنین به نظر می‌رسد، بدهکار برای مالی که گرفته، خود کسی را پایندان کرده است. در مثال بعد، پایندان از سوی طلبکار تعیین شده است.

ka mard-ē abāg mār-d-ē paymān kunēd kū man pāyandānīh ī wahnān rāy xwāstag and
ō to dahēm

هر گاه مردی با مردی پیمان کند که «من به پایندانی بهمان [مرد]، اندی (= مقداری) از دارایی را به تو می‌دهم (= من با ضمانت فلان فرد، مقداری از این مال را به تو می‌دهم)، ...» (← *مادیان*: ۱۵/۵۶-۱۶؛ Perikhanian, 1997: 146-147).

از این بند روشن می‌شود طلبکار، فرد مشخصی را برای ضمانت تعیین کرده و در صورت پایندانی او، حاضر شده دارایی خود را به فرد مورد نظر بدهد.

۲.۱.۲ اظهار خرسندی و رضایت طرفین برای انتخاب پایندان

پایندان می‌توانست از سوی هر کدام از طرفین انتخاب شود ولی مهم بود که طرف دیگر موافقت و رضایت خود را نسبت به پایندان تعیین‌شده، اعلام کند. بر اساس *مادیان هزار دادستان* فقط در صورت رضایت دو طرف، حق رجوع به پایندان ایجاد می‌شد و اگر بدهکار، بدهی خود را پرداخت نمی‌کرد، طلبکار می‌توانست به پایندان رجوع و طلب خود را خواستار شود.

ka mard-ē abāg mār-d-ē paymān kunēd kū man (16) pāyandānīh ī wahmān rāy xwāstag
and ō to dahēm ka ān paymān andar hamē kunēd (17) hunsand ēg-iš rāh ō pāyandān u-
š abāz ō bun nē bawēd.

هر گاه مردی با مردی پیمان کند که «من به پایندانی بهمان [فرد]، اندی (= مقداری) از دارایی را به تو می‌دهم»، اگر [هر دو طرف] به آن پیمانی که می‌کند راضی [باشد] پس راه به (= حق رجوع به)^{۱۰} پایندان برای او (= طلبکار) [ایجاد می‌شود] و برای [طلب]ش نه [باید] به [طرف] اصلی (= بدهکار) رجوع کند. (← مادیان: ۱۷-۱۵/۵۶؛ Perikhanian, 1997: 146-147).

اگر پایندان بدون رضایت بدهکار تعیین می‌شد، در صورت پرداخت بدهی به طلبکار، نمی‌توانست ادعایی در برابر بدهکار داشته باشد.

... ka pāyandānīh jud az ham-dādestānīh ī ōy kē wizārišn kunēd ka xwāstag wizārēd
ēdōn bawēd čiyōn⁺ ka abē-dastwar wizārēd u-š abāz nē rasēd.

... چنانچه پایندانی بدون همداستانی (= موافقت) آن کسی انجام شود که باید [وام را] باز گرداند، اگر [پایندان] دارایی (= وام) را باز گرداند، مانند این باشد که بدون دستور (= اجازه) [آن را] پرداخته است و [در این صورت پول پرداخت شده] به او باز نمی‌رسد^{۱۱} (= باز گردانده نمی‌شود) (← مادیان: ۸-۵/۵۶؛ Perikhanian, 1997: 144-145).

۳.۱.۲ تعیین زمان

پس از تعیین پایندان و اعلام موافقت دو طرف نسبت به او، زمانی برای بازگرداندن بدهی تعیین می‌شد. تعیین زمان در قرارداد بسیار اهمیت داشت. بدهکار موظف بود پیش از زمان تعیین شده (brīn zamān) نسبت به بازپرداخت بدهی خود اقدام کند در غیر این صورت طلبکار می‌توانست به پایندان رجوع و طلب خود را خواستار شود.

ka tōzišn be (9) hilēnd pēš az brīn zamān pad pasēmāl ud pas az brīn zamān pad
pāyandān hišt (10) bawēd.

چنانچه [بخواهند] بدهی را بپردازند، پیش از زمان تعیین شده به وسیله خواننده (= بدهکار) و پس از زمان تعیین شده^{۱۲} به وسیله پایندان پرداخت می‌شود (← مادیان: ۱۰-۸/۲؛ Perikhanian, 1997: 150-151).

علاوه بر تعیین زمان برای قرارداد و رجوع به پابندان، گاه برای مورد ضمانت نیز زمان تعیین می‌شد. برای مثال ممکن بود طبق قراردادی، وامی به فردی داده شود و بدهکار برای ضمانت، فردی یا چیزی را تعیین می‌کرد که در صورت عدم بازپرداخت بدهی در زمان مورد نظر، آن فرد به عنوان برده یا آن چیز به طلبکار داده شود. در این صورت، برای در اختیار گرفتن آن فرد یا چیز، زمان تعیین می‌شد، یعنی آن فرد یا چیز برای مدت زمان مشخصی در اختیار طلبکار قرار می‌گرفت. پس از پایان زمان تعیین‌شده آن چیز یا آن فرد (= برده) باید به صاحب اولیه خود (= بدهکار) بازگردانده می‌شد.

abāg any [nibišt / guft] (2) kū ka gōwēd kū-m tā ēw sāl pad tan az tō padīrīft uzīd ēw
sāl pāyandānīh (3) nēst be tan abāz abespārišn.

علاوه بر این نوشته شده است که اگر [کسی] گوید که «من تا یک سال [این فرد را] به عنوان برده^{۱۳} از تو پذیرفتم» [با] سپری شدن یک سال، پابندانی نیست (= ضمانت پایان می‌پذیرد)، بلکه باید برده را [به مالک نخست] باز سپارد (← *مادیان*: ۸/۲-۱۰؛ عربیان، ۱۳۹۱: ۳۶۳-۳۶۴، بند ۷۹؛ Perikhanian, 1997: 150-151).

این بند نشان می‌دهد، فردی به عنوان برده برای یک سال به طلبکار سپرده شده و تصریح شده که پس از سپری شدن یک سال، برده از تعهد آزاد و به صاحب اصلی خود بازگردانده می‌شود.

بنابراین در دو مورد زمان تعیین می‌شد اول، برای بازگرداندن بدهی به طلبکار و دوم برای بازگرداندن مورد ضمانت به بدهکار، و آن زمانی بود که به دلیل عدم پرداخت بدهی از سوی بدهکار، چیزی یا فردی برای مدت زمان مشخصی به طلبکار سپرده شده بود. تعهد بازگرداندن تضمین همواره باقی بود به طوری که اگر فرد می‌مُرد، وارثان او باید آن را بازمی‌گرداندند؛ همانطور که در این کتاب قانون به آن اشاره شده است.

ka (15) farrox ādur farrōbay pad tan az mard-ē abāz padīrēd widard-iz farrox⁺ xwāstag-
dārān l ī (16) farrox ādur farrōbay abāz abespārišn.

اگر فرخ^{۱۴}، آذرفرنیغ را به عنوان برده از مردی باز پذیرد (= بگیرد) [در صورت] در گذشت فرخ، وارثان فرخ باید آذرفرنیغ را باز سپارند (= بازگردانند) (← *مادیان*: ۱۶-۱۴/۵۸).

۴.۱.۲ عمل به قرارداد

بر اساس *مادیان هزار دادستان* باز پرداخت بدهی باید مطابق با قرارداد پایبندی که بین طرفین بسته شده بود، صورت می گرفت. برای مثال اگر دو نفر با هم وامی را می گرفتند، نحوه بازپرداخت آنها باید به صورت دقیق در قرارداد ذکر می شد؛ هر گاه نحوه بازپرداخت به صورت دقیق ذکر نمی شد، ممکن بود در پرداخت آن ایجاد ابهام کند.

ka dō mard pad āgēnēn abām (7) stānēnd ud ān abām ast-ē be hilēnd awēšān mard ēk
bahr ī xwēš wizārēd ān ī (8) be hilēnd ēdōn bawēd čiyōn ān ī pad pāyandān hilēnd.

اگر دو مرد با هم وامی را ستانند و [از] آن وام بخشی را ادا کنند [یعنی] یکی از آن مردان بهر (= سهم) خویش را ادا کند آنچه ادا می کنند [باید] چنان باشد که بر اساس پایبندی ادا می کنند (← *مادیان*: ۶۲-۸؛ Perikhanian 1997: 28,29).

به کار بردن عبارت «با هم» (= pad āgēnēn) در این بند، تعهد برابر را برای انجام کار ایجاد می کرد^{۱۵}. بنابراین اگر دو نفر با هم وامی را می گرفتند، در پرداخت نیز شریک بودند. پس اگر یکی از شرکاء مقداری از بدهی را باز می گرداند، می توانست به حساب کل بدهی گذاشته شود و به حساب سهم بدهی او گذاشته نشود. به همین دلیل، همانطور که در این بند آمده، برای جلوگیری از چنین مشکلاتی، نحوه بازپرداخت بدهی باید در قرارداد ذکر و نحوه بازپرداخت آن به صورت دقیق روشن می شد.

۵.۱.۲ حق رجوع به پایبندان

حق رجوع به پایبندان در *مادیان هزار دادستان* با اصطلاح rāh ō «راه به» آمده و ۹ بار با همین معنی به کار رفته است (برای آگاهی بیشتر ← یادداشت شماره ۱۰). درباره حق رجوع طلبکار به پایبندان دو گونه مطلب در این متن آمده است:

نخست اینکه، هر گاه دو طرف نسبت به قرارداد پایبندی اظهار رضایت می کردند، طلبکار، حق داشت برای طلب خود به پایبندان رجوع کند.

... ka ān paymān andar hamē kunēd (17) hunsand ēg-iš rāh ō pāyandān u-š abāz ō bun
nē bawēd.

... اگر [هر یک] به آن پیمانی که می‌کند خرسند [باشد] پس حق رجوع به پایندان برای او (= طلبکار) [ایجاد می‌شود] و برای [طلب]ش نه [باید] به [طرف] اصلی (= بدهکار) رجوع کند. (← مادیان: ۱۷-۱۵/۵۶؛ ۱۷-۱۴۶-۱۴۷: Perikhanian, 1997).

بر اساس این بند و آنچه در قسمت تعیین زمان آمده، می‌توان گفت با اتمام زمان تعیین شده و عدم پرداخت بدهی از سوی بدهکار، طلبکار می‌توانست به پایندان رجوع کند و طلبش را خوستار شود و لازم نبود برای وصول طلبش، ابتدا به بدهکار رجوع کند. دوم، اگر بدهکار قادر به پرداخت وام و بدهی نبود یا برای تسویه بدهی نمی‌آمد، حق رجوع به پایندان ایجاد می‌شد. به نظر می‌رسد، هر گاه طلبکار برای طلبش به بدهکار رجوع می‌کرد و با عدم توانایی او در پرداخت بدهی مواجه می‌شد یا بدهکار در زمان تعیین شده برای پرداخت بدهی نمی‌آمد، می‌توانست به پایندان رجوع کند.

ka gōwēd kū-m pad ēn xwāstag wahmān mard pāyandān kard rāh ō pāyandān pas ān zamān bawēd ka mērag an-ādān ayāb nē mad ēstēd ...

هر گاه [کسی] گوید که «من بهمان مرد را در این خواسته پایندان کردم»، حق رجوع به پایندان از زمانی آغاز می‌شود که مرد [در پرداخت وام] ناتوان^{۱۶} (= ورشکسته) [باشد] یا [برای پرداخت بدهی (= تسویه)] نیامده باشد^{۱۷} ... (← مادیان: ۱۷-۵/۵۶؛ ۱۴۴-۱۴۵: Perikhanian, 1997).

و همچنین

ud abāg any guft (5) kū ka mādagwar an-ādān abāg pāyandān

و علاوه بر این گفته شده است که اگر [طرف] اصلی (= بدهکار) در پرداخت بدهی ناتوان باشد (= ورشکسته باشد) [پرداخت بدهی] با پایندان (= ضامن) است^{۱۸} (← مادیان-انکلساریا: ۵-۴/۳۲؛ ۳۰۴-۳۰۵: Perikhanian, 1997).

در دو جا از متن مادیان هزار دادستان تصریح شده است که در صورتی که بدهکار قادر به تسویه بدهی خود باشد، نباید به پایندان رجوع کرد.

... ka mādagwar ādān rāh ō pāyandān nēst.

... [پس] اگر [طرف] اصلی (= بدهکار) قادر به پرداخت وام^{۱۹} باشد، حق رجوع به پایندان وجود ندارد (= برای طلب خود نباید به ضامن رجوع کند). (← مادیان: ۲/۵۷؛ Perikhanian, 1997: 146-147).

و نیز

... ēk guft kū (5) awēštād ēn dādestān ēd be wizār ka mard do xwāstag abām stānēnd ud gōwēnd kū (6) ham-pāydānān čiyōn ud man guft kū mādagwar ādān rāh ō pāyandān nē bawēd u-š (7) pas guft kū ka ēk abām stānēd ān dudīgar gōwēd kū-š pad ēn xwāstag (8) pāyandān hēm čiyōn bawēd ud man guft kū ēn-iz ham-gōnag bawēd

... یکی گفت که استاد برای این [مورد قانونی] حکمی صادر کن: «اگر دو مرد دارایی (= پولی) را وام بگیرند و بگویند که هم پایندان^{۲۰} هستیم، چگونه [است]؟ و من گفتم که [اگر طرف] اصلی (= بدهکار) قادر به پرداخت بدهی [باشد]، حق رجوع به پایندان نباشد (= طلبکار برای گرفتن طلب خود حق رجوع به پایندان ندارد). و آن [یک] سپس گفت: اگر یکی وام ستاند [و] آن دیگری گوید که در این دارایی پایندان او هستم [حکم] چگونه باشد؟ و من گفتم که این نیز همانگونه باشد... (← مادیان: Perikhanian, 1997: 146-147؛ ۸-۴/۵۷).

و در جای دیگر آمده است در صورتی که بدهکار، دوباره توانگر می‌شد، طلبکار حق داشت دوباره به او رجوع و طلب خود را خواستار شود.

u-š ēn-iz guft kū ka ōwōn⁺ gōwēnd kū ēk ōy ī did pāyandān hēm (7) ud farrox an-ādān be bawēd ud ādur farrōbay pad tōzišn abāg mihrēn rāyēnišn kunēd (8) ud pas farrox ō⁺ tuwānīgih²¹ rasēd ādur-farrōbay pādixšāy ka rāyēnišn be hilēd (9) ud abāz ō rāyēnišn ī farrox ēstēd

... و او این را نیز گفته است که اگر [وام گیرندگان] چنین گویند که پایندان یکدیگر هستیم و فرخ در ادای بدهی ناتوان شود و آذرفرنیغ^{۲۲} برای [گرفتن] تاوان علیه مهرین طرح دعوا کند^{۲۳} و سپس فرخ به توانگری برسد، آذرفرنیغ مجاز است طرح دعوا را رها کند و علیه فرخ طرح دعوا کند. ... (← مادیان: ۶/۵۹-۱۰؛ Perikhanian, 1997: 150-151).

بنابراین در گونه نخست، پس از پایان زمان تعیین شده، طلبکار بدون رجوع به بدهکار، مستقیم به پایندان رجوع می‌کرد. و در گونه دوم، طلبکار ابتدا به بدهکار و در صورت عدم توانایی در پرداخت بدهی به پایندان رجوع می‌کرد. هر دو حکم در مادیان هزار دادستان دیده می‌شود.

۶.۱.۲ فسخ پایدانی

همانطور که پیشتر گفته شد، پایندان می‌توانست از سوی طلبکار یا بدهکار تعیین شود؛ درباره فسخ پایدانی نیز در مادیان هزار دادستان آمده است:

ka pad sē gōwišn ō pāyandān gōwēd kū-m az (12) pāyandānīh hišt hē ēg-iš az pāyandānīh hišt bawēd ud tōzišn agar pēš (13) [az] brīn zamān gōwēd nē hišt bawēd ud agar pas az brīn zamān uskārdan abāyēd.

اگر [کسی] با سه [بار] گفتن به ضامن گوید که «تو را از پایدانی هشتم (= آزاد کردم)» پس از پایدانی آزاد شود. و اگر [طلبکار] پیش از [پایان] زمان تعیین شده [برای پرداخت بدهی، درباره آزادی ضامن سخن] بگوید، [بدهی و خسارت] هشته نشود (= ساقط نشود) و اگر پس از زمان تعیین شده [بگوید در این مورد بیشتر] باید اندیشید (= تحقیق کرد) (← مادیان: ۱۱/۲-۱۳؛ Perikhanian, 1997: 30-31).

بنابراین فرد با سه بار گفتن «تو را از پایدانی هشتم»، پایندان را آزاد می‌کرد و بدین ترتیب تعهد ضمانت از او برداشته می‌شد. بر اساس مطلب بالا، فسخ پایدانی پیش از پایان زمان تعیین شده برای بازپرداخت بدهی، موجب ساقط شدن بدهی نمی‌شد و در این صورت بدهی باید پرداخت می‌شد. اما با توجه به اینکه پس از پایان زمان تعیین شده، پرداخت بدهی با پایندان بود^{۲۴}، اگر پایدانی در این زمان فسخ می‌شد، پرداخت آن با مشکل مواجه می‌شد.

۲.۲ هم‌پایدانی

هم‌پایدانی به معنای «مشارکت در ضمانت، مسئولیت تضامنی و ضمانت مشترک» است^{۲۵} و در واقع نوعی از پایدانی است که در آن مورد ضمانت، شخص ثالث است (← ۲-۱).

در این نوع از ضمانت، دو نفر یا بیشتر با هم وامی را می‌گرفتند و پیمان می‌بستند درقبال پرداخت آن، با هم مسئولیت مشترک داشته باشند. افرادی که به این صورت با هم پیمان می‌بستند، هم‌پایندگان نامیده می‌شدند و ضامن یکدیگر در بازپرداخت بدهی بودند. بر اساس *مادیان هزار دادستان*، هم‌پایندگان بودن، به معنای هم‌توان بودن است و آن به معنای «مسئولیت مشترک در بازپرداخت بدهی» است (Perikhanian, 1997: 366). ذکر هر یک از این دو اصطلاح در قرارداد وام به یک معناست و به کار بردن آن مسئولیت و تعهد برابر را در بازپرداخت بدهی برای همه شرکاء فراهم می‌کرد.

... ka +gōwēnd kū ham-pāyandān (5) hēm ā-š ēn guft bawēd kū ham-tōzišn hēm u-š
ādānīh ud an-ādānīh nē (6) āmār....

اگر [وام‌گیرندگان] گویند که هم‌پایندگان هستیم پس آنچه که گفته می‌شود این است (= به این معنی است) که هم‌توان (= همه به هم در پرداخت بدهی مسئول) هستیم و توانایی و ناتوانی مالی (= هر یک از وام‌گیرنده‌ها) به حساب نمی‌آید (← *مادیان*): ۶-۴/۵۹؛ عربیان، ۱۳۹۱: ۲۴۴؛ ۱۵۰، ۱۵۱ (Perikhanian 1997).

با توجه به آنچه در *مادیان هزار دادستان* درباره هم‌پایندانی آمده است، می‌توان قوانین و تعهدات این پیمان را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱.۲.۲ مسئولیت متقابل

همانطور که گفته شد در هم‌پایندانی افرادی که با هم قرارداد می‌بستند در برابر یکدیگر مسئولیت و تعهد مشترک و متقابل داشتند. برای مثال چند نفر، وامی را از کسی می‌گرفتند و بیان می‌کردند که «با هم هم‌پایندگان هستیم»، آوردن عبارت «هم‌پایندگان» در قرارداد، بدهکاران را اعم از دو نفر یا بیشتر، در حکم یک نفر و یا به عبارتی، یک گروه قرار می‌داد که نسبت به طلبکار تعهد مشترک داشتند و طلبکار می‌توانست به هر کدام از هم‌پایندگان رجوع و طلب خود را خواستار شود.

ka gōwēd kū mard se az man abām stad [ud] paymān kard kū (1) ham-pāyandānān
hēm az harw kē kāmēd pādixšāy xwāst

هر گاه [کسی] گوید که «سه مرد (= نفر) از من وام ستاندند (= گرفتند) [و] پیمان کردند که هم‌پایندگان هستیم»، [طلبکار] مجاز است از هر کس که بخواهد [تمام وام را]

طلب کند... (← مادیان: ۱۷/۵۵-۱/۵۶؛ عریان، ۱۳۹۱: ۲۴۱؛ Perikhanian 1997, 144,145).

۲.۲.۲ حق رجوع برای مطالبه بدهی

در قرارداد هم‌پایدانی، حق رجوع به پایندان به دو صورت بود. نخست اینکه، اگر همه هم‌پایندان قادر به بازپرداخت بدهی بودند در این صورت طلبکار می‌توانست به هر یک از بدهکاران رجوع کند و طلب خود را خواستار شود.

.... [dād]-farrox <T> guft (2) kū ka <ōh> harw se ādān hēnd ēg-iz az harw kē kāmēd pādixšāy xwāst

... [داد] فرخ گفته است که اگر هر سه قادر به پرداخت وام باشند پس [طلبکار] مجاز است از هر [کس] که بخواهد [وام را] طلب کند... (← مادیان: ۲-۱/۵۶؛ عریان، ۱۳۹۱: ۲۴۱؛ Perikhanian 1997, 144,145).

بدهکاری که به این صورت، بدهی را پرداخت می‌کرد، می‌توانست به شرکاء دیگر رجوع و سهم بدهی هر کس را مطالبه کند.

... [dād]-farrox <T> guft (2) kū ka <ōh> harw se ādān hēnd ēg-iz az har kē kāmēd pādixšāy xwāst ōy kē be wizārēd (3) bahr ī ōy ī did pādixšāy az ōy ī did xwāst

... [داد] فرخ گفته است که اگر هر سه قادر به پرداخت وام باشند پس [طلبکار] مجاز است از هر [کس] که بخواهد [وام را] طلب کند [و] آن کس که [وام را] باز می‌گرداند (= تسویه می‌کند)، مجاز است سهم دیگری را از نفر دیگر طلب کند... (← مادیان: ۳-۱/۵۶؛ عریان، ۱۳۹۱: ۲۴۱-۲۴۲؛ Perikhanian 1997: 144,145).

دوم اینکه، اگر افراد طرف قرارداد، یکی قادر به بازپرداخت بدهی بود و یکی ممکن نداشت و ورشکسته شده بود یا یکی برای پرداخت بدهی می‌آمد و دیگری نمی‌آمد، طلبکار می‌توانست به هر یک از هم‌پایندان که توانایی پرداخت بدهی را دارد رجوع و طلب خود درخواست کند. در این شرایط نیز کسی که بدهی را پرداخت می‌کرد، می‌توانست به دیگر هم‌پایندان و شریکان خود رجوع و سهم بدهی مربوط به هر کس را طلب کند.

gyāg-ē nibišt kū ka gōwēd kū-mān (9) xwāstag abām stad ham-pāyandān hēm ayāb
gōwēd kū pad ān xwāstag ēk ōy ī did (10) ham-pāyandān hēm ādānīh ud nē ādānīh ī
ōy ī did pad tōzišn wizārēd ud mad ēstēd (11) nē mad ēstēd ōy ī did nē āmār čē az
harw kē kāmēd xwāst pādixšāy ud ōy kē az-iš (12) xwāhēd az ōy ī did bahr abāz rasēd.

جایی نوشته شده که هر گاه [کسی] گوید که «ما [این] دارایی را وام ستانده‌ایم [و] هم‌پایندان هستیم» یا گوید که «در آن دارایی با یکدیگر هم‌پایندان هستیم» توانایی یا عدم توانایی (= تمکن یا عدم تمکن) آن دیگری در توانی که باید پرداخت شود، و آمدن [یا] نیامدن (= حضور یا عدم حضور) آن دیگری، به حساب نمی‌آید^{۲۶}؛ زیرا [طلبکار] مجاز است از هر کس اراده کند [وام را] طلب کند. و آن کسی که [طلبکار تأدیة وام را] از او طلب می‌کند از آن دیگری سهم [به او] باز می‌رسد (و می‌تواند سهم [بدهکار] دیگر را طلب کند) (← مادیان: ۸/۵۶-۱۲؛ عریان، ۱۳۹۱: ۲۴۲؛ Perikhanian 1997: 146,147).

در این نوع ضمانت، در صورتی که همه شرکاء قادر به پرداخت بدهی بودند، طلبکار به یکی از آنها رجوع و طلب خود را مطالبه می‌کرد و اگر برخی شرکاء قادر به برگرداندن بدهی نبودند، طلبکار حق داشت به بدهکاری که توانایی پرداخت دارد رجوع کند. در هر یک از شرایط گفته‌شده، کسی که بدهی را پرداخت می‌کرد، حق داشت به هم‌پایندان دیگر رجوع و سهم بدهی هر کس را طلب کند.

۳.۲.۲ اهمیت کاربرد عبارت هم‌پایندانی

هر گاه قرارداد هم‌پایندانی بین چند نفر بسته می‌شد، به کار بردن عبارت هم‌پایندانی بسیار مهم بود. زیرا کاربرد این واژه برای کل بدهکاران مسئولیت مشترک ایجاد می‌کرد و اگر بدهی به وسیله یکی از افراد پرداخت می‌شد، او می‌توانست به بدهکاران دیگر (= شریکان خود) رجوع کند و سهم بدهی هر یک از آنها را خواستار شود ولی در صورتی که این عبارت به کار نمی‌رفت، این حق از او سلب می‌شد.

... ud ka ham-pāyandān nē bē⁺ gōwēnd kū az harw kē (4) kāmēd pādixšāy [xwāst] ka
<ōh> hamāg ēk be wizārēd ēg-iz az ōy ī did nē pādixšāy (5) xwāst.

... و اگر [قید] هم‌پایندان را نه، بلکه بگویند «که مجاز است از هر [کس] که بخواهد [وام را] طلب کند»، همانا اگر همه [وام را] یک نفر باز گرداند (= تسویه کند)

پس [او] مجاز نیست از دیگری [سهمی را] طلب کند (← مادیان: ۳/۵۶-۵؛ عریان، ۱۳۹۱: ۲۴۱-۲۴۲؛ Perikhanian 1997: 144,145).

۳.۲ تفاوت پایدانی و هم‌پایدانی

نخستین تفاوت این دو آن است که در پایدانی، قرارداد شامل دو طرف، بدهکار و طلبکار بود. طبق قرارداد پول یا چیز دیگری از یک طرف به طرف دیگر داده می‌شد و برای بازپرداخت آن ضامنی تعیین می‌شد. اگر ضامن، شخص ثالثی بود^{۳۷} در صورت عدم بازپرداخت بدهی توسط بدهکار، طلبکار به او رجوع می‌کرد و طلب خود را خواستار می‌شد. اما در هم‌پایدانی دو نفر یا بیشتر قراردادی برای دریافت پول یا چیز دیگری منعقد می‌کردند و در آن، ضامن یکدیگر می‌شدند. در واقع هم‌پایدانی نوعی از پایدانی است که در آن، ضامن، خود جزو بدهکاران و متعهدان است.

دومین تفاوت در حق رجوع به ضامن است. در پایدانی، طلبکار پس از پایان زمان تعیین شده در قرارداد، می‌توانست به ضامن رجوع کند (← ۲-۱-۵-). در صورتی که در هم‌پایدانی از آنجا که همه شرکاء ضامن یکدیگر بودند، طلبکار می‌توانست به هر یک از هم‌پاینداران (= بدهکاران) رجوع کند و طلب خود را بخواهد. هر گاه یکی از شرکاء، بدهی را پرداخت می‌کرد، می‌توانست به شریکان دیگر رجوع و سهم بدهی هر یک را از آنان مطالبه کند (← ۲-۲-۲-).

در زیر به تفاوت پایدانی و هم‌پایدانی اشاره شده است:

pusānweh ī āzādmardān (1) ōwōn guft kū ēd ka gōwēd kū ham-pāyandān hēm +tā ka
gōwēd kū pad ēn xwāstag (2) wahmān mard pāyandān hēm ka mādagwar ādān rāh ō
pāyandān nēst.

پوسان‌وه آزادمردان^{۳۸} چنین گفته است که این که بگویند که «هم‌پایندان هستیم» تا که بگویند که «در این خواسته [با] بهمان پایندان هستیم»، [پس] اگر [طرف] اصلی (= بدهکار) قادر به پرداخت وام باشد حق رجوع به پایندان وجود ندارد (= برای طلب خود نباید به ضامن رجوع کند) (← مادیان: ۱۷/۵۶-۲/۵۷؛ عریان، ۱۳۹۱: ۲۴۲؛ Perikhanian 1997: 146,147).

۳. نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، هر گاه بین دو نفر قراردادی بسته می‌شود که از سوی یکی به دیگری دارایی و پولی به عنوان وام یا قرض داده می‌شود برای اطمینان از بازپرداخت آن تضمینی در نظر گرفته می‌شود. تضمین می‌توانست دارایی باشد که به گرو گذاشته می‌شود یا شخص ثالث باشد. پایندان می‌توانست از سوی هر یک از طرفین بدهکار و طلبکار تعیین شود. هر یک از طرفین که پایندان را تعیین می‌کرد، طرف دیگر باید آن را تأیید و رضایت خود را نسبت به پایندان تعیین شده، بیان می‌کرد. در صورت تأیید، ضمانت وجهه قانونی پیدا می‌کرد و قابل اجرا بود و طلبکار در صورت پرداخت نشدن طلبش، می‌توانست به پایندان رجوع و طلبش را درخواست کند.

تعیین زمان از دیگر نکاتی بود که در قرارداد مورد توجه بود. زمان تعیین شده در دو مورد بود، نخست، برای بازگرداندن بدهی که طبق آن، زمانی برای بازگرداندن بدهی به بدهکار داده می‌شد و دوم برای بازگرداندن مورد ضمانت به بدهکار، و آن زمانی بود که به دلیل عدم پرداخت بدهی از سوی بدهکار، چیزی یا فردی برای مدت زمان مشخصی به طلبکار سپرده می‌شد و پس از پایان زمان در نظر گرفته شده، دارایی یا فرد مورد نظر باید به صاحب اولیه بازگردانده می‌شد.

هر گاه بدهکار در زمان تعیین شده وام را بر نمی‌نگرداند، طلبکار می‌توانست به پایندان رجوع کند. بر اساس *مادیان هزار دادستان* حق رجوع به پایندان به دو صورت بود. نخست، پس از پایان زمان تعیین شده، طلبکار بدون رجوع به بدهکار، مستقیم به پایندان رجوع می‌کرد. و دوم، طلبکار ابتدا به بدهکار و در صورت عدم توانایی در پرداخت بدهی به پایندان رجوع می‌کرد. همچنین در قانون آمده، اگر بدهکار ورشکسته‌ای بعد به توانگری می‌رسید، طلبکار حق داشت به او رجوع کند و طلبش را خواستار شود. در جهت اجرای هر یک از قوانین گفته شده، ثبت دقیق آن در قرارداد مهم بود که در این صورت هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانست خلاف مفاد آن عمل کند.

هم‌پایندانی در واقع یکی از شکل‌های ضمانت بود که در آن چند نفر با هم وامی را می‌گرفتند و با هم پرداخت آن را ضمانت می‌کردند. در این نوع از ضمانت همه هم‌پایندان نسبت به هم مسئولیت و تعهد مشترک و متقابل داشتند. طلبکار می‌توانست به هر یک از شرکاء رجوع کند و طلب خود را خواستار شود. تمکن و عدم تمکن وام‌گیرندگان مهم نبود و طلبکار می‌توانست برای طلب خود به هر یک از بدهکارانی که قادر به پرداخت بدهی

بود، رجوع کند. هر کدام از هم‌پاینداران که بدهی را پرداخت می‌کرد، می‌توانست به شریکان خود رجوع و سهم بدهی هر یک از آنان را طلب کند. به این سبب به کار بردن عبارت پایدانی بسیار مهم بود زیرا مسئولیت متقابل برای شرکاء به وجود می‌آورد.

تفاوت عمده پایدانی و هم‌پایدانی نخست در این بود که در پایدانی، دارایی یا شخص ثالثی برای ضمانت در نظر گرفته می‌شد. در صورتی که بدهکار، بدهی خود را پرداخت نمی‌کرد، طلبکار به پایندان رجوع می‌کرد و طلب خود را خواستار می‌شد. ولی در هم‌پایدانی افرادی با هم وامی را دریافت می‌کردند و متعهد می‌شدند که با هم آن را پرداخت کنند یعنی نسبت به هم ضمانت مشترک داشتند.

تفاوت دیگر در حق رجوع به پایندان بود. در پایدانی، حق رجوع به پایندان به دو صورت بود؛ نخست، با پایان زمان تعیین شده برای بازگرداندن بدهی، طلبکار مستقیم به پایندان رجوع می‌کرد؛ دوم، طلبکار ابتدا به بدهکار رجوع می‌کرد و در صورتی که او توانایی پرداخت بدهی خود را نداشت، به پایندان رجوع می‌شد. در هم‌پایدانی ضامن در واقع یکی از شریکان نیز بود، اگر همه شریکان قادر به پرداخت بدهی بودند، طلبکار به یکی از آنها رجوع می‌کرد و اگر همه قادر به پرداخت بدهی نبودند، طلبکار به کسی که توانایی پرداخت بدهی را داشت رجوع می‌کرد و طلبش را خواستار می‌شد. در هم‌پایدانی، همه شریک و پایندان یکدیگر محسوب می‌شدند و طلبکار مجاز بود به هر کدام که می‌خواهد رجوع کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب‌های *روایات امید آشوه‌هستان* و *دادستان دینی* و *روایات فرنیغ سروش* نیز به مسائل حقوقی پرداخته‌اند ولی در آنها به مسائلی که زردشتیان در قرون اولیه اسلامی با آن مواجه شدند نیز پرداخته شده است ولی کتاب *مادیان هزار دادستان* تنها منعکس‌کننده مسائل حقوقی زردشتیان در دوره ساسانی است (تفضلی ۱۳۷۶: ۲۸۶-۲۸۷).
۲. در دو فصل از این متن به طور خاص درباره این موضوع سخن گفته شده و در سه جای متن نیز به صورت پراکنده در میان احکام دیگر به آن اشاره شده است (← پیشینه پژوهش).
۳. ترجمه بلسارا (۱۹۷۶) به انگلیسی؛ ترجمه آن‌اهیت پریخانیان (۱۹۷۳) به روسی؛ نینا گروسیان ترجمه پریخانیان را به انگلیسی ترجمه کرد که پس از اصلاحاتی که پریخانیان روی آن انجام داد در سال ۱۹۹۷ چاپ شد؛ ترجمه ماریا ماتسوخ (۱۹۸۱، ۱۹۹۳) به آلمانی و ترجمه سعید عریان

(۱۳۹۱) به فارسی (برای کتاب‌شناسی کتاب‌ها ← کتابنامه). نگارنده در برگردان بندها به فارسی از ترجمه‌های نام‌برده شده استفاده کرده است.

۴. ماتسوخ در این مقاله خود، برده و برده‌داری را در دوره ساسانی بررسی می‌کند و در توضیح انواع برده به نوعی از آن به نام «تن» (tan) اشاره می‌کند که برای ضمانت بدهی یا وامی در نظر گرفته می‌شد. در این نوع از ضمانت، بدهکار هر گاه بدهی خود را پرداخت نمی‌کرد، برده به طلبکار تعلق می‌گرفت (← Macuch, 1988: 764).

۵. علی کاکای افشار، وکیل پایه یک دادگستری، مجموعه‌ای از ۱۹ مقاله دربارهٔ *مادیان هزار دادستان* دارد که در این مقالات، اصطلاحات و موارد حقوقی آن را بررسی کرده است. در آخرین مقاله از این مجموعه، نویسند دو بند از فصل پایدانی یعنی صفحات ۲/۵۷-۱۲ و ۱/۵۹-۱۰ را بررسی و تحلیل کرده ولی به قوانین آن اشاره نکرده است.

۶. در کنار مقالات نام‌برده شده، در مقاله‌ای اصطلاح پایدانی به عنوان بحث کلامی و به معنای «شفاعت» در سده‌های نخستین اسلامی بررسی شده است؛ ولی در آن به مفهوم حقوقی آن در پیش از اسلام هیچ اشاره‌ای نشده است (← نقایی، ۱۳۹۳).

۷. به جز *مادیان هزار دادستان در متون پهلوی* در فصل دربارهٔ *پیمان کدخدایی*، بند ۸، واژه پایدانی آمده که در آنجا نیز به معنای «ضمانت» است:

ud ham wahnān ī wahnān ēn mādag mādag pad gōhrīg ī ēn sē hazār drahm be pāyandānīh¹
padīrift ud padīš ham-dādestān būd (→ Jamasp-Asana, 1897-1913: 143).

و همچنین بهمان [دختر] بهمان این مبلغ سه هزار درهم را در برابر، برای پایدانی (= ضمانت) پذیرفت و در مورد آن همداستان (= موافق) بود.

۸. برده‌ها در دوره ساسانی به چهار دسته بنده (bandag)، غیر شهروند (= بیگانه) (an-šahrīg)، برده (wardag) و تن (tan) تقسیم می‌شدند. در این تقسیم‌بندی، بنده‌ها در خانه خدمت می‌کردند، غیر شهروند که در واقع غیر زردشتیان خارجی بودند در مزرعه کار می‌کردند، برده نیز روی زمین کار می‌کرد و تن نوعی از برده بود که برای ضمانت قرارداد وام در نظر گرفته می‌شد (Shaki 1992b, 657). طبقه‌بندی دیگر برای بردگان عبارت بود از: بنده، ناشهروند، رهی (rahīg) به معنای «بسته»، تن و ویسه (wīsa) به معنای «متعلق به خاندان و خانواده» که قابل مقایسه است با بیسه (bisa) ختنی به معنای خدمتکار و بنده (پریخانیان، ۱۳۸۷، ۲/۳؛ ۲۱؛ Bailey 1979: 292). اصطلاح «تن» به معنای برده که در *مادیان هزار دادستان* به کار رفته است به فردی اطلاق می‌شود که برای مدت زمان مشخصی، برای ضمانت وام یا قرضی به طلبکار سپرده می‌شود و طلبکار می‌تواند او را در اسارت خود نگه دارد. برده سپرده شده می‌تواند یکی از خویشاوندان بدهکار یا پایندان باشد. در

۲۰ پایدانی (= ضمانت) و هم‌پایدانی (= ضمانت مشترک) در *مادیان هزار دادستان*

صورتی که فرد بدهکار نتواند بدهی خود را در زمان مقرر پرداخت کند آن فرد به عنوان برده در اختیار طلبکار قرار می‌گیرد (Macuch 1988: 764; 2009: 184).

۹. در *مادیان هزار دادستان* گاه از ضمیر مبهم بهمان، گاه از واژه مردی یا زنی و گاه از اسامی مانند فرخ، آذر فرنیغ و ... در نمونه‌هایی که آورده شده، استفاده شده است. لازم به ذکر است که هر یک از این نام‌ها با عنوان بدهکار، طلبکار، خواننده، خواهان، برده و ... در متن آمده است؛ برای مثال مهرین در جاهای مختلف می‌تواند بدهکار، طلبکار و ... باشد.

۱۰. در *مادیان هزار دادستان* rāh در معنای «راه، مسیر، جاده» (← ۴/۵۷، ۱۳/۸۰، ۱۷/۱۰۶، ۱۷/۱۰۷ و ۲) و «روش، شیوه» (۱۶/۸۰، ۱۵/۸۱) آمده است. اصطلاح rāh o به معنای «حق رجوع به» است که فقط در فصل پایدانی آمده است (← ۶-۵/۵۶ و ۱۷، ۲/۵۷، ۶، ۳/۵۹، ۹/۶۰ و ۱۲ و ۱۵، ۱۴/۶۱). همچنین اصطلاح pad rāh ī به معنای «به وسیله، از طریق» در جاهای دیگر این کتاب آمده است (← ۱۷/۶۰، ۹/۶۲ و ۱۲، ۱۰/۸۱)، همچنین (← Perikhanian 1997: 383).

۱۱. abāz rasēd این فعل با همین معنی در *شایست ناشایست* (۵/۸) آمده است:

... u-š kār ud kirbag ī pēš kard abāz rasēd ...

.... و کار و کرفه‌ای که پیشتر کرد به او باز رسد (= برگردانده شود، سهم و نصیب او شود)

... (← مزداپور ۱۳۹۰: ۹۶؛ Davar 1912: 38).

۱۲. به نظر می‌رسد منظور از اینکه «پرداخت بدهی پیش از زمان تعیین شده با بدهکار است» به این معنی است که «تا زمان تعیین شده به سر رسد بدهکار باید بدهی را پرداخت نماید».

۱۳. برای اصطلاح «تن» در معنای «برده» ← یادداشت شماره ۸.

۱۴. ← یادداشت ۹.

۱۵. در *مادیان هزار دادستان* این اصطلاح به صورت زیر تعریف شده است:

ka gōwēd kū mard dō pad āgenēn dō sad o man dahišn (11) āgenēn kār ēdōn framūd ēstēd
kū rāst.

هر گاه [کسی] گوید که «دو مرد (= نفر) با هم باید دویست [درهم] به من بدهند»، [عبارت] «با هم»، کار (= الزام) انجام کار را به طور مساوی فراهم می‌کند (← *مادیان*: ۱۰/۵۵-۱۱).

۱۶. an-ādān: «درمانده» و an-ādānīh: «درماندگی» (← مکنزی ۱۳۷۹: ۳۲ و ۳۸). در *مادیان هزار دادستان* an-ādān به معنای «ورشکسته» و an-ādānīh به معنای «ورشکستگی، ناتوانی مالی» آمده است (Perikhanian 1997: 335).

۱۷. مفهوم عبارت این است که حق رجوع به ضامن بلافاصله بعد از معرفی ضامن شروع می‌شود، مشروط به اینکه ثابت شود فرد بدهکار در پرداخت بدهی ناتوان است یا برای پرداخت آن نیاید.

۱۸. پریخانیان (1997: 305) «اگر طرف اصلی ورشکسته شود، پس آن شامل ضامن هم می‌شود» و عریان (۱۳۹۱: ۳۵۳) چنانچه طرف اصلی ورشکسته شود (آنگاه ورشکستگی او باید) شامل ضامن (او هم شود)». ماتسوخ (1981: 57,215): «اگر طرف اصلی ورشکسته شود ضامن درگیر است».

۱۹. ādān: «ثروتمند، قادر به پرداخت وام؛ ثروت» و ādānīh: «ثروت» (← مکنزی ۱۳۷۹: ۳۲). در *مادیان هزار/دستان* نیز اولی به معنای «قادر به پرداخت وام و بدهی» و دومی به معنای «تمکن مالی، ثروت» آمده است. این واژه از ایرانی *ati- + tāvana: «قادر به پرداخت» و از ریشه -tav: «توانستن، قادر بودن» است (Perikhanian 1997: 340; Bartholomae 1904: 640).

۲۰. هم‌پایندانی نوعی از ضمانت است که در آن چند نفر با هم مالی را وام می‌گیرند و ضامن یکدیگر می‌شوند. در این نوع از ضمانت نفر سوم، ضامن وام گرفته شده نمی‌شود بلکه افرادی که با هم وام را گرفته‌اند به طور مشترک ضامن یکدیگر می‌شوند ← بخش ۲-۲-.

۲۱. متن: tuwānīgān

۲۲. ← یادداشت ش ۹.

۲۳. rāyēnišn «عمل، وظیفه؛ ترتیب» از فعل rāyēnīdan: «ترتیب دادن، رهبری کردن، هدایت کردن، متشکل کردن» است (← مکنزی ۱۳۷۹: ۱۲۹). در این متن، همچنین به معنای «طرح دعوا کردن، شکایت قانونی کردن» آمده است.

۲۴. ← ۲-۱-۳- تعیین زمان.

۲۵. کاکای افشار (۱۳۸۸: ۱۶۱) اصطلاح «مسئولیت تضامنی» را برای «هم‌پایندانی» آورده است. در کتاب *ترمینولوژی* این اصطلاح اینگونه تعریف شده است: «مسئولیت تضامنی به معنای مسئولیت مدیون در مقابل چند بستانکار است که هر یک از آنها حق مطالبه تمام طلب را دارا باشند» همچنین «مسئولیت بدهکاران متعدد که بتوان تمام طلب را از هر یک از آنان مطالبه کرد (ماده ۱۰۸ قانون ثبت)» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۴۲).

۲۶. nē hamār: «قابل توجه نیست و اهمیت ندارد» این ترکیب در دیگر متون پهلوی نیز آمده و «حساب نمی‌شود، به شمار نمی‌آید» معنی شده است. برای مثال در شایست ناشایست (۴/۶):

sōšyāns guft ē pad ān ī pahlom axwān yašt kardan nē abāyēd. čē ka-š kirbag ē tanāpuhl wēš

kū wināh ō pahlom axwān rasēd ud u-š yašt kardan nē āmār

سوشیانس گفت که برای رسیدن به بهشت برین، نباید یشت کرد. زیرا هر گاه کرفه یک نتافور بیش از گناه [باشد] به بهشت برین می‌رسد و یشت کردن او حساب نیست ... (← مزدآپور ۱۳۹۰: ۸۴؛ Davar, 1912: 35).

۲۲ پایدانی (= ضمانت) و هم‌پایدانی (= ضمانت مشترک) در *مادیان هزار دادستان*

در هیربدستان (۴/۱۸) نیز با همین معنی آمده است:

ēn az abestāg paydāg any bawēd ka dānēd kū-m čāšt u-š uzēnag nē āmār.

این از اوستا پیداست [که] دیگر (= متفاوت) باشد اگر بداند که من آموزش دادم و هزینه آن را حساب نکردم (= توجه نکرده‌ام، در نظر نگرفته‌ام) (← Kotwal, 1992: 78, 79).

در این دو متن نیز می‌توان معنای «حساب نیست» را برابر با «مورد توجه نیست و قابل ملاحظه نیست» ترجمه کرد. این ترکیب همچنین در روایت پهلوی (۱/۵۵ و ۶۵/۵۸) با همین معنی آمده است (← میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۳۳۱ و ۳۴۵؛ Dhabhar, 1913: 165, 185).

۲۷. برای انواع ضمانت ← ۲-۱.

۲۸. یوسان‌وه پسر آزادمرد از قضات و مفسران دوره ساسانی است (← Perikhanian 1997: 417؛ کریستن سن ۱۳۵۱: ۷۵). نام او ۱۵ بار در متن آمده است. این مفسر از جمله کسانی است که از او فتواها و حکم‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف در *مادیان هزار دادستان* گفته شده است. ۱۳ بار حکم از خود او نقل شده (← *مادیان*: ۱۱/۵، ۴/۱۴، ۴/۱۹، ۶/۴۳، ۱۲/۵۲-۱۳، ۱۷/۵۶، ۱۵/۹۰، ۹/۹۵، ۳/۹۹ و ۸/۱۰۰، *مادیان*-انکلساریا: ۲/۴، ۱۴/۲۹ و ۱۷) و ۲ بار مفسر دیگری به نام بهرام فتوایی را از او بیان می‌کند (← *مادیان*: ۱/۹۸، *مادیان*-انکلساریا: ۱۴/۱۶-۱۵؛ همچنین برای نام همه مفسران *مادیان هزار دادستان* ← حاجی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۵-۵۲).

کتاب‌نامه

پریخانیان، آناهیت (۱۳۸۷). «جامعه و قانون ایرانی»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه. مجلد ۳، قسمت ۲. تهران: امیر کبیر.

تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲). *ترمینولوژی حقوق*، چ ۲۵، تهران: گنج دانش.

حاجی‌پور، نادیا (۱۳۹۵). «مفسران حقوقی *مادیان هزار دادستان*»، *پازند*، س ۱۲، ش ۴۴، صص ۳۵-۵۳. دهقان، مصطفی (۱۳۸۱). «تحقیق و ترجمه‌ای جامع از کتاب *مادیان (ماتیکان) هزار دادستان*»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، مرداد و شهریور، ش ۵۸ و ۵۹، صص ۵۵-۵۸.

کاکای افشار (۱۳۸۸). «مادگان هزار دادستان کتاب هزار داوری (۱۹) دو دادستان دیگر و سخنان پایانی این مقاله‌ها»، *کانون وکلا*، ش ۲۰۶، صص ۱۶۱-۲۰۴.

کریستن سن، آرتور (۱۳۵۱). *ایران در زمان ساسانیان*، چ چهارم، تهران: ابن سینا.

عریان، سعید (گزارنده) (۱۳۹۱). *مادیان هزار دادستان (هزار رای حقوقی)*، تهران: انتشارات علمی.

مادیان ← Modi 1901.

مادیان-انکلساریا ← Anklesaria 1912.

مزدایون، کتابون (گزارنده) (۱۳۹۰). *شایست ناشایست*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مسعودی، ناصر ا (۳۸۷). «مروری بر اصطلاحات دوره ساسانی»، *حقوق، بهار و تابستان*، ش ۹ و ۱۰، صص ۱۰۱-۱۱۷.

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منصوری، یدالله (۱۳۸۷). «اصطلاحات حقوقی در زبان فارسی میانه (پهلوی)»، *نامه فرهنگستان*، س ۱۰، ش ۴، صص ۱۴۴-۱۵۵.

میرفخرایی، مهشید (گزارنده) (۱۳۹۰). *روایت پهلوی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نقابی، عفت (۱۳۹۳). «بینش کلامی پابندانی در شعر فارسی»، *مجله زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)*، دوره ۲۲، ش ۲۱، بهار و تابستان، صص ۱۳۷-۱۶۱.

وهمن، فریدون (۱۳۷۷). «ایران شناسی در غرب: مادیان هزار دادستان کتاب هزار داوری»، *ایران شناسی*، س ۱۰، ش ۱، صص ۱۸۸-۱۹۱.

Anklesaria, T. D. (1912). *The Social code of the Parsees in Sasanian Times or the Madigân-i-Hazâr Dâdistân*, Part II, With an intro. By J. J. Modi, Bobay.

Antia, E. K. (1900). *kârnamak-i Ardaxšēr-i pâbakân*, Bombay.

Bartholomae, Ch. (1904). *Altiranisches wörterbuch*, Strassburg.

Bailey, H. W. (1979). *Dictionary of khotan saka*, Cambridge.

Bulsara, S. J. (1976). *The Laws of the ancient Persians*, Bobay.

Davar, M. B. (1912). *Šāyars Lā Šayast*, Bombay.

Dhabhar, E. B. (ed.) (1913). *The Pahlavi Rivâyat Accompanying The Dâtistân-i Dînik*, Bombay.

Jamasp-Asana, J. M. (1897-1913). *Pahlavi Texts*, Bombay.

Kotwal, F. M. and P. G. Kreyenbroek. (1992). *The Hērbedestân and Nērangestân*, I, Paris.

Macuch, M. (1981). *Das sasanidische Rechtsbuch "Matakdan i hazar datistan" (Teil II)*, Wiesbaden.

Macuch, M. (1988). "Barda and Barda-dārī ii, In the Sasanian period", in *Encyclopædia Iranica*, Vol. III, Fasc. 7, pp.763-766.

Macuch, M. (1993). *Rechtsskizzen und Gerichtspraxis zu Beginn des siebenten Jahrhunderts in Iran, die Rechtssammlung des Farrohmard i Wahrāmān*, Wiesbaden.

Macuch, M. (2005). "Mādayān ī Hazār Dādestān", in *Encyclopædia Iranica*. → <http://www.iranicaonline.org/articles/madayan-i-hazar-dadestan>

- Macuch, M. (2009). "Judicial and Legal Systems iii. Sasanian Legal System", in *Encyclopædia Iranica*, Vol. XV, Fasc.2, pp. 181-196.
- Modi, J. J. (1901). *Mâdigân-i- Hazâr Dâdistân*, Part I, Poona.
- Perixanjan, A. (1973). *Sasanidskii Sudebnik Kniga Tysiachi Sudebnykh Reshenii (MatakDani hazar dadastan)*, Erevan.
- Perikhanian, A. (1997). *The Book of a Thousand Judgements (a sasanian Law-Book)*, tr. Nina Garsoïan, New York.
- Shaki, M. (1992a). "Contact", *Encyclopedia Iranica*, London-New York, Vol. VI, Fasc. 2, pp. 221-224.
- Shaki, M. (1992b). "Class system", *Encyclopedia Iranica*, London-New York. Vol. V, Fasc. 6, pp.652-658.